

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیدموسی عثمان هستی طنزپرداز شاعری وزن و بی ترازو
۰۷ اگست ۲۰۱۶

سران پیشین "جنبش روشنائی" یا تیکه داران بدنام تاریخزده چرا صحنه را ترک کردند؟

وظندارگم جنبش روشنائی سنگرنشین است نه وطن فروش و نه ظالم و نه تاجردین است
مدبر و محقق و خلیلی بعد ازین یک غین است باخبر باش که روش خاینین دایم چنین است
(سیدموسی عثمان هستی)

مدت های زیاد است که نوشته نکرده ام باز هم طنزگونه می نویسم در کفن حقیقت می پیچانم مرابه تابوت ساز و قبرکن
و ملای جنازه خوان و مرده شویان و قبرستان های دسته جمعی کاری نیست کارخاد، خارنوالی انقلابی و محکمه انقلابی ،
قومندانان خون چوش جهادی ، قاطران طالبی و داعشی و حکومت دست نشانده "کیری" می باشد.

من از خون می ترسم جرأت ندارم بادیدن خون چشمانم سیاهی می کند و در این روزها توان دیدن چهارراهی دهمزنگ
در تلویزیونهارا ندارم و چندباری اگر این نوشته را خوانی سر چهار مغزی تو باز نمی شود الله و بلا را در گردن این ملامی
اندازید مقصد مغز چهار مغزی یک کنایه طنزی است که خواننده را متوجه خواندن نوشته می سازد که هدف گور گو چه
بوده که حرفهای خود را در طومار ملای شاه شمشیره پوش می کند بر پیشانی مبارک و عرق پر "ع و غ" می بندد که تب
مزدوری شان از نگاه روانی کمکی پائین بیاید.

کمپیوترم به خاطر کم شدن روشنائی چشمم با سوسایت بم پای خودم روبه رو گردید و کمپیوترم کمر شکن شده و از این که
من در این اوخر کمپیوتر باز نمی کنم ، پیش اولادهم گردن پت نکردم که به من یک کمپیوتر بخرید
از وقتی که بستر خواب من بهشت داعشی برایم شده و بهترین قدم زدن من تا تشناب پهلوی اتاق خواب من است ولی
دوستان سابقه من گاه گاه سری به من می زنند غذائی که خوش دارند در آشپزخانه پخته می کنند من هم از آن دست پخت
هامی خورم مقدمه بالا به خاطر غیابت من بود

یکشنبه گذشت ه دوستان به دیدن من آمده بودند هنوز خون تمام مبارزان حق طلب ملیت هزاره افغانستان در چهارراهی
دهمزنگ خشک نشده بود دوستان خیلی ناراحت بودند کسی داعش را محکوم می کرد کسی پاکستان ، انگلیس ، امریکا ،
کسی دولت دست نشانده افغانستان و کسی سران حق خواهی جنبش مقدس روشنائی را محکوم می کرد من به حرفهای
دوستان گوش می دادم چیزی نمی گفتم تا دوستان نگویند حالا کورخانه نشین هم از بغداد خبر دارد

تنها زیر زبان این را با خودمی گفتم : بایدجان دادتا نسل های بعدی نفس راحت بکشندروح شهدای دهمزنگ شادکه به خاطر نسل های بعدی در راه حق گرفتن جان دادند تا سرمشق به نسل های آینده شود دوستی روی به طرف من کرده گفت چیزی بگو! گفتم: زیادوقت شده که در محافل افغانهانی روم دوستان سابق خود را کم می بینم میدیاهم در افغانستان در دست چند تیکه دار پولدار و تیکه داران دین و سیاست که از فرهنگ و سیاست بیخبر اند با استخدام چند جوان دست تهی که ناچار هم به خاطر معاش ناچیزی واقعیت هارا در دل خود ز ندانی کنند و یابه دستور صاحبان زور و ثروت دهن کجی کنند استخدام می شوند چیزی که انسان می نویسد واقعیت باشد و در آینده از او دفاع کند و تا کی مثل فرشته حضرتی یک پدram در پهلو ی خود داشته باشد که سیاه را سفید کند و سفید را سیاه.

دوست دیگری گفت نمی شود حکومت های گذشته و امروزی را ریشه یابی کرد این ریشه یابی سرنخ را خواهد داد. گفتم : او برادر به اولادم گفتم که مرده مرا به افغانستان ببرید در پهلو ی احمد شاه مسعود دفن کنید اگر شود به بهانه قبر من قبر او را هم ببر اند. خنده کردند گفتند تا جسد به دریا انداخته نشود مانند قبر علی مزار ی دوباره ساخته نمی شود. گفتند: مرده ببرک کارمل بهترین درس به رهبران جهادی شده وصیت کرده اند که ما را نزدیک دریا دفن نکید که قبر ما به سرنوشت قبر ببرک کارمل دچار نشود روح ببرک هم شاد!! که از دریای آروز های خود شکم سیر نشد از آب دریای آموحتی استخوان هایش سیر آب گردید و قبر داوود، نادر و هاشم خان سالهاست که در آتش انتظار می سوزند که چه وقت بولدوزرها خاک قبر و استخوانهای آنها را بوسه می زنند

پراندن قبر در افغانستان سود ندارد تا که پیروان و کاسه لیسان دنباله رو و خاینین رهبران است قبر آنها را دوباره می سازند من گفتم تاریخ شوهر خواهر کسی نیست همان طوری که تاریخ بعد سالهای طولانی در قسمت ولی محمد خان دروازی فرزند واقعی افغانستان قضاوت سالم کرد و کسانی که امروز توسط با داران شان قهرمان خوانده شدند مطمئن باشید فردا چلو صاف شان توسط تاریخ از آب کشیده می شود و به روح پاک شهدای افشار درود می فرستد و تصویر واقعیت را درج تاریخ می کند. روان شهدای افشار شاد! مرگ بر قهرمانان قلابی! یکی از افراد اهل مجلس گفت : احمد شاه مسعود قهرمان است یا جبار هلمندی؟ کسی خنده کرده گفت: هر دو در جنگ های تنظیمی کابل درویرانی کابل به خاطر نبودن یک شهر معیاری یکی از دیگر دست بالا داشت.

تاریخ نژاد زرد یا هزاره ها به هزاران سال می رسد و فرزندان همین کویا به های افغانستان می باشند لیکن این مردم محروم و ستمدیده در طول تاریخ افغانستان با خصومت های زمامداران افغانستان رو برو بودند که تلفات جنبش روشنائی هم ادامه همان خصومت ها بوده.

اگر تنبان سخن بکشیم وبی پرده حرف بزیم ویابنویسیم این سؤال مطرح می شود آیا دولت های افغانستان باملیت های افغانستان خصومت تاریخی دارند یا به دستور انگلیس ها تخم نفاق در بین ملیت های افغانستان کشت می شود.

روس هم زمانی که داخل خاک افغانستان شد از پالیسی های غلط انگلیس در افغانستان کار گرفت حتی ببرک کارمل را مجبور کرد که بگوید من از فلان قبیله پشتون افغانستان هستم در حالی که نیاکان ببرک کارمل به گفته روانشاد محمد حسین خان پدرش از کشمیر به کابل آمده بودند آنها هم زمانی که افغانستان از طرف شمال تادریای آمو از طرف غرب تا مشهد و نیشاپور و از طرف شرق تادهلی و کشمیر و از طرف جنوب تاجیکستان و هندامتدا داشت.

احمد شاه کبیر فرزند نیک نام افغانستان در این حدود جغرافیه حکومت چند ملیتی را ساخته بود روحش شاد! در زمان احمد شاه کبیر سرزمین ما به نام دولت درانی یاد می شد و کلمه افغانستان بعد از سقوط دولت سدوزئی ها در تاریخ آمده و این که می گویند نباید افغان بگوید این پنهان کردن آفتاب بادوانگشت است که جیره خواران انگلیس هنوز هم در بین مردم تبلیغ

می کنند و اینکه می گویند بنام تاجیک چیزی هم وجود نداشت این حرفهای شاگردان داکتر محمد حسن خان کاگر مؤرخ شناخته شده وطن ما است که در جوانی یک وطن پرست بود و در پیروی دچار تعصبات قومی نژادی منطقه نی دینی و مذهبی گردیده .

و این که می گویند هزاره ها، ازبک ها، ترکمن ها با چنگیز در افغانستان آمده اند و پنجشیری ها از سمرقند آمده اند این حرفها به خاطر تفرقه اندازی بوده و رنه خون تمام ملیت های افغانستان اگر "DNA" شود تمام اینها آریائی اند.

چنانچه هشت افغان از تمام ملیت های افغانستان خون خود را در تورتوآزمایش کردند نشان داد که همه از یک نژاد است نظریه آب ، هوا، محیط زیست و نظر به ازدواج های تکراری، قیافه و رنگ و پوست تغییر می کند. سیاه یک پنجصدسال قبل در امریکای شمالی آمده، دیگر آن سیاه پوست پنجصد سال پیش نیست نه تنها لبان کشال و بینی پهن دیروز را ندارند جلد بدن آن ها نیز تیرگیو سیاهی خود را از دست داده است.

و اگر فرض کنیم که نیاکان بعضی ملیت های افغانستان هزار سال قبل از جایی در افغانستان آمده باشد من سی و یک سال می شود که در کانادا با اطفال نازنین خود زندگی می کنم هر کدام شان داکتر، فلم میکر، ژورنالیست، و لایر یا وکیل دادگاه است از حقوق مساوی با ملت کانادا برخوردار اند.

من با یک کانادائی که متولد کانادا است از نگاه حقوق شهروندی کدام فرقی ندارم و من هیچ وقت خود را بیگانه فکر نکرده ام از امتیاز کانادائی برخوردار هستم و می باشم ولی در افغانستان هزاره که بیشتر از هزاران سال نیاکان شان زندگی کرده اند هنوز هم شهروند افغانستان خوانده نمی شود برادر اشرف غنی با طمطراق می گوید که بخاطر چند کرسی که به هزاره ها داده شده از پشتونهای افغانستان خصوصاً از کوچی های لوگر تشکر کند. فاشیسم در سر تا سر دنیا جارم است ولی اشرف غنی عوض این که برادرش را به خاطر فاشیست بودنش به چنگال قانون بسپارد خودش گرگ در لباس میش سیاست عمل می کند و برادرش در لباس گرگ فاشیست.

این را انکار کرده نمی توانیم که در مملکت عقب مانده توومن نیست بلکه فقط من است، ولی در جامعه پیشرفته دیگر توومن وجود ندارد همه خود را یک شهروند و دارائی حقوق مساوی می دانند

در جنگ اول افغان و انگلیس همه ملیت های افغانستان در سرکوب کردن دشمن بدون تبعص زبانی، منطقه نی، دینی و مذهبی انگلیس را سرکوب کردند و در سقوط دولت دست نشاندۀ روس دست به دست هم دادند روس را سرکوب کردند.

ما مجاهد افغانستان را وطن فروش و خود فروش گفته نمی توانیم خاک پای شان سر مه چشم می کنیم ولی رهبران شان خود فروخته ، جاسوس و وطن فروش بودند و هستند. با آمدن و اشغال امریکا و غرب همه رهبران هفت گانه و هشت گانه

نشان دادند که هم دیروز بیگانه پرست ، مزدور ، خود فروخته و وطن فرس بودند امروز هم مزدور هستند

ولی در تجمع روشنائی جوانان غیور و تحصیل کرده ثابت کردند که دیگر تیکه داران نمی توانند که این ملیت ها را به باداران خود بفروشند و یاد ر بدل کرسی و مقام آنها را مبادله کنند.

آری

آن قدح بشکست

دیگر باقی نماند

مینا

بشکست

شراب عراقی نماند

گوشت گوسفند کم شد

گوشت گاو زیاد

لاغری زیاد و

دیگرچاقی نماند

این مردم آرام سرانجام سنگ محکم ساحل شدند موج های دریا را راندند

منم سنگ ساحل نشینم

که موجهار از خودبرانم

اگر آید این موج بانهنگی

برانم تا بداند زورسنگی

نگیرد جای در آغوش تنگی

همان آغوش گرباشدسنگی

نکن آغوش فراخ برکم ذاتی

که کارونش بود

بی آهنگ وزنگی

بدترین سرکوب هزاره ها در زمان امیر عبدالرحمن خان وبعد ترازان در جنگ های تنظیمی کابل صورت گرفته و مؤرخینی که وجدان دارند و داشتند حقایق جنگ های کابل را نوشتند راکت پرانی ها و حمله برافشار را جنایت قرن خواندند. هنوز هم سپاهیان برچه دار که مریضی نسل کشی را از زمان جنگ های تنظیمی کابل دارند بایک عقده غیر انسانی تبدیل شده.

این مارها خود را به دور غنی و عبدالله پیچانیده اند دل شان یخ نکرده از ملیت های پشتون ، هزاره ، تاجک ، ازبک و غیره توسط مزدوران و خود فروختگان از ملیت های مختلف افغانستان قربانی می گیرند تا حرف انگلیس هارابه کرسی بنشانند. غیر پشتونها(افغانها) دیگر ملیت های افغانستان شایستگی رهبری و زمامداری راندارند؟ این جمله غیر انسانی از انگلیس سالها بر ملیت های افغانستان باقی ماند.

وملیت های افغانستان درگرو یک مشت جاسوس وطن فروش ، خودفروش ردالت پیشه و اوباش قرارداد و از مقوه شیطانی انگلیس کارگرفتند تفرقه انداخته حکومت میکند

حرفهای دولت کابل به این می ماند درخانه گرسنه بنشین و حقوق مدنی و سیاسی خود را نخواهید صدمه نمی بینید دولت گفته ماقبلاً هوشیار باش داده بودیم طور مثال اگر دکاندار دکان خود را درچوک دهمزنگ باز نمی کردچراکشته می شد؟ مگر امنیت و حفظ جان ملیت های افغانستان مطابق قانون اساسی دولت مربوط به دولت دست نشانده افغانستان نمی باشد؟ و تاجچه وقت ملیت های افغانستان آزادخواهی سر ندهند درخانه بنشینند، دکان خودراباز نکنند، اولاد وزن اورا کی نان می دهد؟ دولت شما که یک دولت گدا و فقیر است ، سیستم و لفرهم ندارد و پول هائیکه ازخارج سرازیر شد و یا می شود دوباره از مملکت توسط شمایه بانگ های خارج می رود دولت شما فاسد ترین دولت در جهان است

تاجچه وقت این ملیت ها حق خودرا از یک دارودسته وطن فروش و اوباش نگیرد و درخانه های خود بنشینند؟ مگر شما کرسی نشینان اوباش کابل نمی دانید که حق به زور گرفته شده و حق بدون زور داده نمی شود بدون اعتراضات مدنی و خیابانی امکان ندارد که صدابه گوش خران بازمانده جنگ های تنظیمی کابل ، مزدوران اجنبی در قصر کابل و قصر صدارت برسد.

سران پیشین جنبش روشنائی باتیکه داران بدنام تاریخ زده چرازینه را گذاشتند و مردم را در بام بلند کردند و بعد صحنه حق خواهی را ترک کردند؟

شما سران پشتون ، هزاره ، تاجک ، ازبک و غیره که گاه باهم شیر و روغن هستید و گاه سگ و فقیر و در طول ۳۵ سال جنگ ، ملیت های افغانستان را به هم انداختید و حکومت کردید ، از بادران خود که دشمنان ملیت های افغانستان است پول گرفتید خاک فروشی کردید و امروز در دوریک فاشیست (غنی) و یک قاتل و آدم کش که در جنگ های تنظیمی کابل با احمدشاه مسعود بود (عبدالله عبدالله) و افشار را به خون کشیدند. طفل و پیر افشار را از تیغ کشیدند و زنان و دختران شان را به نام اسیر ، کنیز ساختند و به پنج شیر بردند سرشان تجاوز کردند و امروز در پهلولی همین خائنین رهبران هزاره ، تاجک ، پشتون ، ازبک .. قرار دارند اینها به خاطر حقوق ملت افغانستان در چوک دهمزنگ جان دادند به خاطر حقوق هزاره ها. من در بامیان مأموریت داشتم در بامیان نه تنها هزاره ها ، بلکه تمام ملیت های افغانستان با هر زبانی که دارند و با هر مذهبی که هستند نه تنها شیعه مذهب ها ، که سنی مذهب ها هم در بامیان برادرانه زندگی می کنند این حرف احمقانه است که چرا دیگر ملیت ها در جنبش نقش داشتند. نقش مردم بامیان کمتر است مگر مردم وردک و میدان حق ندارند که در جنبش روشنائی حرف اول بزنند من که از پروان هستم و سنی مذهب هستم من حق ندارم در این جنبش باشم و یابه خاطر ولایت و مذهب خود از حق خواستن جنبش روشنائی چشم پوشی کنم حکومت دست نشانده کابل سردرگریان کند حق ملیت های افغانستان را بدهد غیر از پشتون هادیگر ملیت های افغانستان حق ندارند رئیس جمهوری باشند دموکراسی در یک مملکت مساوات ، برابری و عدالت می آورد در افغانستان بی رحمی و کشتار ، حق تلفی بی بند و باری را با خود به ارمان آورده و ملیت ها افغانستان حق ندارند از دولت کابل و جامعه جهانی بپرسد؟ چرا خائنین اجنبی در افغانستان سرما ملیت های مظلوم دست نشانده های خود گل سرسبد دیگر ملیت ها ساختند

ده سال پیش یا بیشتر از ده سال من به افغانستان رفتم لست ناقصین حقوق بشر را تکمیل کردم به سیما سمر دادم و عده کرد که نشر می کند چرا نشر نکرد؟ لیست قاچاقبران را به وزارت داخله دادم جلالی و عده کرد که نشر می کنیم چرا نشر نکرد؟ از ناقصین حقوق بشر و قاچاق بران سیما سمر و جلالی پول گرفتند و از نشر لیستی که من دادم خود داری کردند کجا شد پولیس بین المللی (انترپول)؟

کجا شد پولیس جنائی هالند؟ کجا شد محکمه جنائی جهانی (هاک)؟ در هالند من نام ده ها جنایتکار و ناقصین حقوق بشر را که در افغانستان جنایت درسی و پنج سال کردند در نوشته های خود دادم نه در افغانستان کسی پرسید نه حقوق بشر و اگر آنها را محکمه نمی کردند ما این نوشته هایم محکمه می کردند. جنبش روشنائی در جاده هابر آمد من در کوه فریاد بر آمدم فریاد زدم چرا پارسا نشد؟ چرا تاحال جنایتکار جنگی دور غنی و عبدالله غنبر و حرف اول می زنند؟ چرا عوض محکمه گلب الدین حکمتیار که در جنگهای کابل مردم را به خون و خاک کشید محکمه نکردند؟ چرا حقوق بشر و محکمه هاک این جنایتکاران جنگی را از پاکستان نخواستند و امروز دوباره به نام صلح آنها را بر سر ملیت های افغانستان حاکم می سازند چرا دارو دسته حزب اسلام در ارگ ریاست جمهوری و شورای وزیران خون مردم را هنوز می نوشند؟ حرف اول می زنند و از آنها حمایت می شود؟ کجاست پولیس بین المللی جنائی هالند، محکمه هاک؟ مگر همین غربی ها نبودند که تمام این جنایت کاران در ممالک غربی آمریکا و کانادا و استرالیاجا بیدادند و پناهنده دایمی ساختند؟

و اگر از غربیها بپرسید که چرا عوض محکمه حمایت کردید و اگر دولت درد کند زبان دراز کنی می گویند اسناد بیاور ، مگر کشته شدن دو میلیون افغان و چهار میلیون آواره سندن نیست؟ اگر اینها نیست کی است؟ مگر کسانی که در پست های شکنجه و کشتار کار کردند آن سندن نیست که از اعضای بیروی سیاسی ، کیتمه مرکزی ، کیتمه ولایتی ، کیتمه شهری ،

شورای انقلابی، خرنوالی انقلابی، محکمه انقلابی، سران تنظیم های هفت گانه و هشت گانه وقومندانان جهادی که کشتار و قتل عام کردند پرسید؟ طور مثال من در یک مقاله خود راجع به بن لادن و مسجدگلف طنزگونه نوشتم چر ادولت کانادا از من پرسان نکردیامرا محکمه نکردند من به اساس عشقی که به انسان و انسانیت و افغانستان و کاناداداشتم نوشتم که کاناداروزی به افغانستان ثانی تبدیل نشودجلوبی وجدانان گرفته شود

مثال دوستم، عطا محمد نور حزب اسلامی، طالب، داعش و قومندانان هزاره این پول هارا از کجا به دست آوردند و می آورند؟ مردم رامی کشندکی حق پرسان و مسؤولیت دارد؟ که از این بی وجدانان بپرسداگراز جنایتکاران پرسان نمی کردند از من پرسان می کردند و مرامحکمه می کردند تاملیت های افغانستان می دانست که بچه پرسان مرده. امروز عوضی که از خلیلی، محقق، مدیر، و چند وکیل خائین که مردم را ذر بام کشیدند و یا از دولت پرسان شود که تو مسؤولت حفظ جان مردم را داشتی چر اوظیفه خود را انجام ندادی؟ و به خاطر پنهان کردن حقیقت بهزاد و بهزادهارا به محکمه می کشندبگیر که تا ترانگیرند

و در این جای شک نیست که فاجعه دهمزنگ کابل که حالا به نام چوک شهدای جنبش روشنائی یاد می شود این نام گذاری هم هدف تفرقه اندازی داشت که ملیت هارا به هم بیندازند از یکطرف چوک دهمزنگ را به نام جنبش روشنائی گذاشتند از طرف دیگر مردم ننگرهار، نورستان، کنر، و لغمانرا تحریک کردند که به جاده هاسرا زیر شوند تاملیت های افغانستان روبه روی هم قرا بگیرند و به جان هم بیفتند

تا زمانی که دولت افغانستان خصوصاً ع و غ این خطبه غلط و غیر انسانی را در بین مردم افغانستان بخوانند تضادها بیشتر می گردد. بدتر از جنایت چوک دهمزنگ رخ می دهد

جنبش روشنائی یک واقعیت اجتماعی و انعکاس حق خواهی و عدالت خواهی تمام ملیت های افغانستان است من ایمان و یقین دارم که جنبش روشنائی سر داده و سر می ده دولی سنگریه دشمن نمی دهد تفرقه اندازی محقق، خلیلی، مدیر و دیگر خائین در بین ملیت های افغانستان سود ندارد باید این سه نفرو دیگر دارو دستة شان که از دولت و اجنبی پول به دست آورده اند و می خواستند به دنباله روان خود کرسی بگیرند، محکمه شوند تا از سر کل مردم دست بردارند